

فهرست

یادداشت مترجم	هفت
فصل اول: امپراتوری تیتان‌ها	
کرونوس	۳
پرومتئوس و گایا	۶
صددست‌ها	۱۱
پرومتئوس آینده را می‌بیند	۱۸
سوگند رسمی کرونوس	۲۵
فصل دوم: سقوط تیتان‌ها	
تولد زئوس	۳۱
پرومتئوس و سوگند تیتانی	۳۵
زئوس و آمالتیا	۴۷
پرومتئوس و اپیمتئوس	۵۳
پرومتئوس تصمیم می‌گیرد	۵۸
پرومتئوس و زئوس پیمان همکاری می‌بندند	۶۷
بیکار با تیتان‌ها	۸۴
خدایان امپراتوری نو برپا می‌نهند	۱۰۱
نخستین عملکرد زئوس	۱۱۲
فصل سوم: آفرینش آدمیان	
دگرگونی در امپراتوری خدایان	۱۲۳
هفایستوس	۱۳۳

۱۴۵	هرا نیروهایش را علیه زئوس بسیج می‌کند
۱۷۱	تولد آینه
۱۸۵	کراتوس و بنا متقابلاً کیفر می‌یابند
۲۰۰	شاه زئوس
۲۲۱	آشفتگی در کنار رود نیل
۲۴۹	بدرود گایا
۲۵۴	هرمس
۲۶۹	اطلس به سنگ دگردیسه می‌شود
۲۸۴	آدمیان
۲۹۵	اعلام

یادداشت مترجم

از میان «خدایان» و تیتان‌ها که دو واژه کلیدی در این داستان اسطوره‌ای‌اند، خدایان در اصل متولیان پدیده‌های طبیعی نزد برخی از طایفه‌های اقوام هند و اروپایی بوده‌اند که از جهاتی خدایان دوازده‌گانه سومری-بین‌النهرینی را به یاد می‌آورند. اما شیوه ظهور این خدایان در اسطوره، فلسفه و ادبیات یونان باستان، در واقع حاصل اندیشه‌های اسطوره‌ای-ادبی هومر و هسیودس، دو شاعر بزرگ یونان باستان است، اندیشه‌هایی که با گذشت زمان و تحولات جامعه صفاتی آرمانی را برای این خدایان متصور شده است. تیتان‌ها در اصل خدازادگان ناخلف بوده‌اند که به سبب رفتار ناهنجار خود مشمول کیفر خدایان گردیده‌اند. گفتنی است که منابع ادبی روایتهای متفاوتی از تبارشناسی خدایان طبیعی ارائه می‌کنند؛ به عنوان مثال، هسیودس شاعر قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد یونان در اثر خود به نام سرودهای عصر سبز فصلی را به تبار خدایان اختصاص داده؛ در این فصل، که «زایش خدایان» نام دارد، هسیودس چنین می‌سراید:

و در آغاز تنها آشوب (خائوس) بود

و سپس

زمین (گایا) بر زمان و مکان دامن گسترد

برای همگان،

همه جاودانگان و ساکنان همواره قله‌های برف‌گرفته المپ

و آن‌گاه تارتاروس از ژرفای زمین پهناور سربرآورد

و اروس،

باوقارترین خدایان

در بلندای قلّه فرازمنند تارتار

عقل و احساس ایزدان و آدمیان را در مهار دارد

و عقل عدل‌پرور را نیز (مصرعهای ۱۲۱-۱۱۵).

واژه «God» (از واژه ژرمنی Gott)، مشتق از giessen/Guss (ریختن) است که «ریختن کره بر آتش» را در آیینهای قربانی اقوام هند و اروپایی تداعی می‌کند. این واژه سپس به وجودی برتر و آرمانی در آیینهای دینی تبدیل شد. معادل دیگر این مفهوم هند و اروپایی، یعنی «ژئوس/zeus» (dijesus: نور آسمان که معمولاً deus pater، به لاتین ژوپیتر = پدر آسمان، به هندی باستان dyauspita گفته می‌شود) واژه یونانی است که از واژه کهتر deos گرفته شده است؛ معادل دیگر آن در زبان سانسکریت devas (dev/دیو) است. ژئوس به معنی درخشش یا تندر که خدای آسمان است شباهتی ظاهری با خدای مهر در ایران باستان پیش از عصر زرتشت دارد، خدایی که مأوا بر فراز کوهها داشته و از آنجا بر پهنه زمین می‌درخشیده، و همچنین با خورشید مقایسه یا حتی با آن یکسان تصور شده است.

همان طور که ملاحظه می‌شود، این خدایان که خدایان طبیعی بوده‌اند، کمترین وجه اشتراکی با خدای ادیان توحیدی ندارند. کاربرد اصطلاحها و مفاهیم ادیان توحیدی برای توصیف خدایان طبیعی است که سبب می‌شود آنها با خدای واحد در ادیان توحیدی خلط گردند. علاوه بر این، استفاده از واژه «خدا» در زبان فارسی برای ترجمه واژه‌های Zeus، God و Jupiter نیز در این راستایی تأثیر نبوده است.

محمود عبادیان

فصل اول
امپراتوری تیتان‌ها

کرونوس

پیش از آنکه زمان سر بگیرد و بی‌زمانی رخت بر بندد، آنجا که هنوز آدمی زاده نشده بود و کسی نبود که شکفتن گلها را ببیند، در فضای بیکرانۀ سپهر، هفت شاهزاده بودند که بر تمام گیتی، بر زمین و زمان و بر دریا فرمانروایی داشتند. آنها یکدیگر را تیتان می‌نامیدند. تیتان‌ها هفت برادر بودند و همسرانشان هفت خواهر. زمین تاریک مادر آنها و آسمان روشن پدرشان بود. قد و بالای آنها چنان کشیده بود که وقتی در جنگل راه می‌رفتند، نوک درختان کاج به قوزک پایشان می‌رسید؛ پا روی کوه که می‌نهادند، کوه فرو می‌نشست؛ زیبایی‌شان آب دریا را خشک می‌کرد؛ نفسشان تیره‌ترین ابرها را تار و مار می‌کرد؛ و گرفتن شیر و تمساح برای آنها مثل آب خوردن بود.

به همان اندازه که بلندقد و نیرومند بودند، دقیق و سختگیر هم بودند. نسبت به قوانین طبیعت بیجان توجه زیادی داشتند و این کار نگهبانی به چشمها و هوش آنها سردی یخ و استقامت کوه داده بود. نه شوخی سرشان می‌شد، نه می‌خندیدند و نه شادی را می‌شناختند. تن پوش سنگی و فلزی بر تن داشتند و با گامهای شمردن و میزان از یک قاره به اقلیم دیگر پا می‌گذاشتند، بر ستاره‌های دنباله‌دار می‌نشستند و از یک گوشه پنهان بیکران به گوشه دیگر سیر می‌کردند. در سر راهشان، به فرو و فرارفتن سیاره‌ها بر می‌خوردند، پرتو روشنایی به تنشانشان می‌خورد، و

آوای خاموشیِ زمان در گوششان طنین می‌انداخت. سر برمی‌افراشتند، نسیم بر تاجشان می‌خورد. به خود می‌بالیدند و می‌گفتند:

— چه خوب، تا به ابد همین‌طور می‌ماند.

میلیونها سال گذشت و آنها این چنین حکومت می‌کردند. آنها هفته را میان خود تقسیم کرده بودند. هر تیتان با همسرش یک روز در هفته حکومت می‌کرد و شش روز دیگر را در تاریخ روشنی‌های کهکشانش شیری به سیر و سفر می‌پرداخت. زن و شوهری که در روز یکشنبه حکومت می‌کردند «هوپیون و تیا» نام داشتند، آنها که فرمانروای دوشنبه بودند «اطلس و فویبه»، حاکمان روز سه‌شنبه «کریوس و دیونه»، تخت‌نشینان چهارشنبه «کویوس و منموسونه»، امیران پنجشنبه «یاپتوس و تمیس»، خداوندان روز جمعه «اقیانوس و تئیس» و پادشاه و ملکه روز شنبه «کرونوس و رئا» نام داشتند.

برخی از این جفتها بچه‌دار بودند مثل اطلس و فویبه، و بعضی بچه نداشتند. اما اقیانوس و تئیس هزاران هزار بچه داشتند، و این بچه‌ها ارواح رودخانه‌ها، جویها و چشمه‌ها بودند. آنها تنها کسانی از تیره هفت برادر و خواهر بودند که می‌خندیدند، آواز می‌خواندند و سرخوشی می‌کردند، و این برای آن بود که مادرشان تئیس روزهای جمعه در آسمان سفر می‌کرد و بچه‌ها روز خوشی داشتند. آنها ابرها را می‌چلاندند و آبهای آنها را به صورت دانه‌های درخشان باران روی زمین می‌چکاندند، و پدرشان، اقیانوس، پرتو درخشان خورشید را بر آنها می‌تاباند و از آن رنگین‌کمان درست می‌کرد. بچه‌ها جست و خیز می‌کردند، شاهزاده‌خانم‌ها از شادی غرق خنده می‌شدند. تنها کرونوس، تیتان جوان، بود که از این کارها خوشش نمی‌آمد.

او به تئیس نهیب زد:

— ما تیتان‌ها به شادی و غم نیاز نداریم. احساسات کاری می‌کنند که نظم عالم به هم بخورد، و این معنایش نابودی همه چیز است. بچه‌های